

هشدارهای مکرر
آیت الله بهجت (ره)
درباره بی تفاوتی نسبت به
مظلومین ملت‌های مسلمان



گردآوری و تنظیم: موسسه بیان معنوی
Bayanmanavi.ir



اگر انسان تکالیفش را رعایت کند از فرشته بالاتر است و دیگر غصه نباید بخورد؛ بنده است و بنده هیچ از خود حق رأی ندارد تا خودسرانه کار بکند، و گرنه چه بسا بر ضررش تمام شود!
(در محضر بهجت، ج ۱، ص ۱۸۷، نکته ۲۷۸)

آیا می شود شیعه باشیم و هر شب از صمیم قلب برای نابودی دشمنان اسلام دعا نکنیم؟!

آیا در شادی و غم با ائمه (ع) شریکیم؟! آیا می شود شیعه باشیم و یک شب بگذرد و برای نابودی دشمنان اسلام و اهل بیت (ع) دعا نکنیم؟! و یا دعای ما صمیمی نباشد؟! اگر دعاهای مقرون به اشک داشتیم، پیش می بردیم، و اگر می مردیم و شهید می شدیم، مقصود حاصل می شد. الآن برادران و خواهران مذهبی و دینی ما در فشار و ناراحتی به سر می برند، و ما این گونه راحت و بی تفاوت نشستیم؛ پس اگر روزی ما در فشار و ناراحتی به سر بریم و آنها راحت باشند عیبی ندارد! در حالی که جامعه توحیدی باید طوری باشد که اگر جایی از آن آسیب دید، جاهای دیگر بی تفاوت نباشند.

قطعاً آنان که در دعا راستگو، و مهموم به هم اهل بیت (ع) و مستبشر به سرور آنان هستند، مبصرات و مشاهداتی دارند، و قطعاً مثل ما چشم بسته و نابینا نیستند. خدا نکند که برای تعجیل فرج امام زمان (عج) دعا کنیم ولی کارهایمان برای تعیید فرج آن حضرت باشد!
(در محضر بهجت، ج ۲، ص ۲۳۰، نکته ۹۴۷)

آیا باید مانند کافر ها باشیم که فقط در حال شدت ملتجی می شوند، و فقط در حال جنگ و شداید به کلیسا می روند؟!

در شداید و سختی ها و گرفتاری ها همه می گویند: یاالله! معروف است که در مواقع طوفان، در کشتی از همه- مرد و زن و برّ و فاجر- ضجه بلند می شود. آری، در حال بلا و گرفتاری و شداید، حتی از غیر نمازگزارها، بلکه غیر مسلمان ها التجا ظاهر می شود. آیا با این همه بلاها که بر سر مسلمان ها می آید، نباید حال التجا برای ما پیش بیاید؟! و یا اینکه باز هم منتظر باشیم که حالت شدت و بلا از این هم بیشتر و بدتر شود؟! بله، ما باید در حال رخاء،

اگر برای رفع بلای دیگران دعا نکنیم، همان بلاها بر سر ما هم می آید.

اگر بی تفاوت باشیم و برای رفع گرفتاری ها و بلاهایی که اهل ایمان بدان مبتلا هستند دعا نکنیم، آن بلاها به ما هم نزدیک خواهد بود؛ چنان که الآن بر سر ما آمده است، نظیر ریختن مواد شیمیایی و بمباران شهرها (در جنگ عراق علیه ایران). در مقابل خطرهای دینی چه باید کرد؟ آیا نباید فکری و چاره ای بکنیم، یا بگذاریم هر چه شد، شد! و هر چه بر سر زنان و مردان و پیر و جوان ما آمد، آمد؟!
(در محضر بهجت، ج ۱، ص ۹۷، نکته ۱۳۹)

لااقل به اندازه احتیاج به آب هنگام تشنگی خودمان، به دعا برای رفع گرفتاری مؤمنان احساس احتیاج می کنیم؟

در بسیاری از بلاد، اهل ایمان و شیعه گرفتار هستند. آیا می شود همان گونه که به هنگام گرسنگی و تشنگی، به آب و نان احساس احتیاج می کنیم، بلکه بیشتر از آن، برای رفع گرفتاری های اهل ایمان احساس احتیاج به دعا برای آنان بکنیم؟! یعنی دعایمان به اندازه ای باشد که

رافع بلا و گرفتاری های آنان گردد و همراه با عدد و شرایط مخصوص و دعای تائب باشد.

(کتاب در محضر آیت الله العظمی بهجت، ج ۱، ص ۵۰، نکته ۶۵)

لزوم گریه برای رفع گرفتاری مسلمانانی در چین؛ باید خود را مثل او گرفتار بدانیم!

چه قدر رحمت خداوند شامل کسانی است که بی تفاوت نباشند و برای رفع این همه ابتلائات و بلاهایی که برای مسلمانان و بر اهل ایمان وارد می شود، گریه و تضرع و ابتهاال کنند! خداوند می فرماید: «قَلُّوْ لَا اِذْ جَاءَهُمْ بِاَسْنَا تَضَرَّعُوا؛ ای کاش آن هنگام که گرفتاریی از جانب ما به سوی آنان می آمد تضرع و زاری می کردند»

(انعام/۴۳)

اگر مسلمانانی در چین مبتلا بشود، ابتلای او ابتلای ما است و ما باید خود را مثل او گرفتار بدانیم! ما در این جهان به منزله ی میهمان هستیم، ما را به کار صاحبخانه چه کار؟! ما فقط باید بدانیم چه باید بکنیم و چه نکنیم؟



کنیم؟! با این حال، به هرکس که بگوییم شما متصدی جمع آوری تبرّعات و انفاقات برای محرومین و محتاجان باشید، می گوید: ما از همه محتاج تر هستیم. بهایی ها که از دین هیچ ندارند جز تعاطف، از راه کمک کردن مردم را به مرامشان دعوت می کنند. وقتی می فهمند کسی ضعیف و محتاج است، از او دستگیری می کنند. مثلاً به او می گویند در فلان مکان بنشین سیگار و کبریت بفروش، و می آیند و عوض یک ریال یک تومان به او می دهند تا پس از چند روز مستغنی شود. و یا وقتی می دیدند شخصی از هم مذهب های آن ها ضعیف است، فوراً در اداره یا کارخانه ای، کاری یرای او پیدا می نمودند. چرا ما تعاطف نداریم، و این همه با رخص و گشایش یکدیگر دشمنیم؟! (در محضر بهجت، ج ۳، ص ۲۸، نکته ۱۳۳۹)

اگر امروز ما در مصایب آن ها شریک نباشیم، یعنی این که فردا هم اگر ما گرفتار شدیم، شما هم در مصایب ما شریک نباشید!

در روایت آمده است: «ثَلَاثٌ لَا يُطِيقُهَا لَا [تُطِيقُهَا] هَذِهِ الْأُمَّةُ... إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِهِ؛ سه چیز است که این امت طاقت تحمل آن را ندارد... رعایت انصاف نسبت به مردم در رابطه با خود» اکنون مردم عراق و شیعیان به ظلم صدام و آمریکا و متحدانش گرفتارند، و بلا و آتش بر سرشان می بارد. اگر ما خود را به جای آن ها بگذاریم، کأنه بلا بر سر ما می بارد. آن ها نه مقرری ندارند و نه مقری. معاش هم ندارند، و در سرای خود بدون نفت و آب و برق و نان هستند. آیا درست است مسلمان ها این گونه مبتلا و گرفتار باشند و ما غافل باشیم و دست روی دست بگذاریم و حتی حال دعا و توسل هم نداشته باشیم؟! مگر صاحب کار یکی نیست، مگر امور ما و آن ها به دست یکی نیست؟! پس چرا به او متوسل می شویم و در رفع مشکلات و شداید و بلاها از او استمداد می کنیم و او را نمی خوانیم؟! اگر امروز ما در مصایب آن ها شریک نباشیم، یعنی این که فردا هم اگر ما گرفتار شدیم، شما هم در مصایب ما شریک نباشید!

بله، مسلمانان به فکر همدیگر نشدند، لذا کفار در فکر آن ها شدند و برای تفرقه میان آن ها و تسلط بر آن ها و منافع آن ها و تسلط بر آن ها و منافع آن ها نقشه کشیدند و از راه های گوناگون و بیشتر از راه تطمیع، آن ها را به دام های خود گرفتار نمودند و اسیر خود کردند. جهان اسلام و مسلمان ها با داشتن اسلام چه احتیاجی به دیگران دارند؟! و قرآن با وجود اهل قرآن، یعنی عزت و اهل بیت

حالت ابتهال و تضرع و توسل داشته و ملتجی و شاگرد باشیم، تا در حال شدت و گرفتاری به فریاد ما برسند؛ وگرنه همان بلا و گرفتاری به سراغ ما می آید؛ زیرا کفار و دشمنان ما آرام و قرار ندارند، بلکه همین الآن نقشه پنجاه سال بعد ما را می کشند.

آیا نباید در حال رخص ملتجی باشیم و یا اینکه مانند کافرها باشیم که فقط در حال شدت ملتجی می شوند، و فقط در حال جنگ و شداید به کلیسا می روند؟! آیا نباید در فکر باشیم و با تضرع و زاری برای ظهور فرج مسلمان ها و مصلح حقیقی، حضرت حجت (عج) دعا کنیم؟! (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۳۸، نکته ۶۴۰)

از اذیت یک پشه فریاد می زنیم، اما از باریدن موشک بر سر مؤمنین ناراحت نمی شویم و سر و صدا نمی کنیم!!

نقل کردند که: کشتن هزار نفر در جبهه نظیر کشتن هزار گوسفند است. با این حال، ما هیچ متأثر نمی شویم! آیا خوب است فردا هم بلا بر سر تو بیاید و از کسی، سروصدا و فریاد بلند نشود و اصلاً متأثر نشوند، و چه بسا بالاتر ها هم متأثر نشوند. آیا ناراحت نمی شوی؟ اگر مورچه ای ما را گاز بگیرد قرار و آرام نداریم، و از گزیدن یک کک و پشه ناراحت می شویم، پس چرا بر سر مؤمنین و مؤمنات از زمین و هوا آتش و موشک می بارد ولی ما ناراحت نمی شویم. چگونه ما که از نیش یک پشه قرار و آرام نداریم، حاضر می شویم این همه تیر و بلا و عذاب بر سر مسلمانان بریزد! با اینکه در روایت آمده است: «أَحَبُّ لِأَخِيكَ [الْمُسْلِمِ] مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ» آنچه برای خود دوست داری، برای برادر [مسلمان] دوست بدار. و نیز: «وَ أَخَذَرُ كُلِّ عَمَلٍ يَرْصَاهُ صَاحِبُهُ لِنَفْسِهِ وَ [يَكْرَهُهُ] يَكْرَهُهُ لِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ» از انجام هر عملی که برای خود می پسندی و برای عموم مسلمانان می پسندی، پرهیز. (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۳۱۶، نکته ۱۱۰۸)

این نکته از معلومات و واضحات و از مسلمیات شرع است!

این نکته از معلومات و واضحات و از مسلمیات شرع است که چنان چه مسلمانی دید که مسلمانی گرفتار است و با اندک همت، گرفتاری او رفع می شود، در این صورت اگر همت نکند، معاقب خواهد بود.

از پنجاه میلیون نفر شیعه که در ایران است، حداقل ده میلیون نفر الآن می توانند، دست کم ماهی یک تومان در صندوق خیریه بریزند. اگر کسی بگوید که این مقدار را هم نمی توانم، دروغ می گوید! آیا با این پول های ذخیره شده، نمی توان گرفتاری های ضرور اهل مملکت را رفع نمود؟! نمی دانیم از دست خودمان به چه کسی شکایت

- علیهم السلام - چه نیازی به مبلّغ و مفسّر دیگر دارد؟! (در محضر بهجت، ج ۳، ص ۲۲۹، نکته ۱۶۸۰)

■ آیا نباید برای ختم جنگ به نفع شیعه دعا کنیم بلکه باید برای رفع سبب جنگ دعا کنیم! و الا بعد از صدام، دویست دام و سیصد دام دیگر می آید.

باید دعا کنیم که این جنگ و فتنه به نفع شیعه ختم شود و این قدر کشتار واقع نشود، زیرا بلاها در اثر اعمال خود ما است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند، هرگز آسایش و راحتی گروهی را برطرف نمی کند، مگر این که آنان خود آن را تغییر دهند.» (رعد/۱۱)

مقدمات فتنه و بلا را خودمان فراهم کرده و آن را به سوی خود دعوت نموده ایم و برای آمدن آن دعوت نامه فرستاده ایم. حال باید برای رفع آن، شرایط استجاب دعا را تحصیل نموده و درست دعا کنیم و از آن چه باعث آتش افروزی شده دست برداریم و از آن چه می کردیم و نایست بکنیم و یا آن چه نمی کردیم که می بایست انجام دهیم، توبه کنیم تا دعای ما مستجاب گردد، نه این که دعا کنیم جنگ و بلا مرتفع شود تا به کارهای سابق خود ادامه دهیم و به انجام آن ها بیشتر موفق گردیم! باید دعا کنیم که آتش جنگ لا الی بدل خاموش شود، نه این که از یک طرف برطرف و خاموش شود و از سوی دیگر روشن گردد. آتش از هر طرف بیاید می سوزاند. اگر صدام رفت، دویست دام و سیصد دام چه طور؟! (در محضر بهجت، ج ۳، ص ۲۵۳، نکته ۱۷۱۶)

■ وظیفه ما نسبت به کشتار شیعیان عراق به دست آمریکایی ها چیست؟

روزی کسی از ایشان پرسید: وظیفه ما نسبت به کشتار شیعیان عراق به دست آمریکایی ها چیست؟ حضرت آیه الله بهجت فرمود: اگر برای برطرف شدن گرفتاری آنان دعا نکنیم، نباید توقع داشته باشیم زمان گرفتار شدن ما هم، شیعیان دیگر به یاد ما باشند و برایمان دعا کنند. (نفس مطمئنه، ص ۳۳)

■ دعا برای مومنین، دعا برای امام زمان (ع) است!

دعا برای اهل ایمان و کسانی که در حکم اهل ایمان هستند، دعا بر قائد اعظم (عج)، ولی مطلق و منجی عصر است، دعا برای ایشان، دعا برای همه بشریت است. دعا برای کفار، آنها را از مخلّد بودن در نار جهنم نجات می دهد. مرحوم سید بن طاووس فرموده اند: «در شب قدر دعا کردن برای کفار اولی است، چون خدا می خواهد

آنها را از خلود در نار نجات دهد.» برای دوستان خدا و دوستان دوستان خدا دعا کنید.

(کتاب فیضی از ورای سکوت، صص ۸۴-۸۶)

■ اگر برای مسلمانان چین دعا نکنیم، مسلمان نیستیم! / اثر انفجارهای بغداد در توان تدریس آیت الله بهجت (ره)!

پسر آیت الله بهجت (ره) در مورد پدرشان: او با همه مسلمانان مهربان بود، بیشتر از آنچه برای خود بود. می گفت: «اگر برای مسلمانان چین دعا نکنیم مسلمان نیستیم.»

گرفتاری مسلمان ها، گرفتاری او بود. می گفت: «در شب قدر، کفّار چین برای دعا مستحق ترند. آخر، راه نیافته و گم راهند.» با غم همه شریک بود. اگر انفجاری در بغداد اتفاق می افتاد انگار که در میان اقوامش بوده. در درس و مطالعاتش اثر می گذاشت و آن روز، در استفتائاتش توان کمتری داشت. مشهود همه بود. (عبد محبوب، ص ۲۱)

■ آیا درست است در حالی که شیعیان در معرض حمله هستند، بنشینیم و در مستحبات بحث کنیم؟

آیا درست است در حالی که شیعیان در معرض حمله هستند و به نابودی کشانده می شوند، در مستحبات تأمل کنیم که آیا مثلاً حضرت صادق (ع) در دعای هر روز و بعد از هر فریضه ماه رجب یا من أرجوه لکلّ خیر، از اول دعا انگشت سبابه خود را حرکت می داد، یا فقط در هنگام گفتن جمله یا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ؟ با اینکه «يَلُوذُ بِسَبَابَةِ الْيُمْنِي»؛ (با انگشت سبابه دست راست اظهار تضرع و مسکنت می نمود) قید دعا نیست، بلکه امر راجحی است که در تمام ادعیه می شود انجام داد. آیا نباید ناراحت باشیم و دعا کنیم و فرج مسلمانان را بخواهیم؟ هنگامی که یک خلخال از پای ذمیه ای بیرون آوردند، حضرت امیر (ع) فرمود: «قَلَوُ أَنْ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مُلُومًا» اگر شخص مسلمانی از شدت ناراحتی بر این ماجرا جان دهد، به هیچ وجه سزاوار ملامت و سرزنش نیست. یعنی اگر بمیرد، جا دارد! (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۳۲۹، نکته ۱۱۲۵)

■ بدون اهتمام به امور مسلمانان به مقصد نمی رسیم

آیا می توانیم سالم، بار به منزل بریم و در عین حال به امور مسلمانان و مؤمنین بی تفاوت باشیم؟! آیا امکان دارد بدون اهتمام به امور مسلمانان، به مقصود برسیم؟ (در محضر بهجت، ج ۱، ص ۵۱، نکته ۶۷)